

سخن پیرامون آزادی ایرانی

اکبر ظریفی

مسئول شورای سازمان معلمان خوزستان

واژه ها ستاره نیستند که در آسمان همه جا، یک جور باشند! رنگ پیرامون خود را به اندازه به خود می گیرند، صدای دور و بر را در می آورند، آهنگ پیرامون را می نوازند و...

آزادی، واژه ای است که در سرزمین ما تنها افتاده، خوب شناخته نشده، آدرس را اشتباه رفته و جور واجور فهمیده شده و در یک کلام: درست دریافت نشده.

نیاز نیست که برای روشن شدن این موضوع به صورت کامل به ریشه یا بی پردازیم، قصد ما این است که سهم تاثیر نگاه بومی را روی این واژه روشن کنیم.

این واژه در اروپا با اقتصاد و تجارت، در گیر و دار بوده است. نوعی تازه از اقتصاد که کنترل و تنظیم آن از زیر یوغ دولت ها بیرون آمده بود، و این ارتباط دو سویه بود. یعنی هم از وضع دولت تازه استفاده و هم خود کمک کرده به دولت با ویژگی های تازه!

پس آزادی بیان شده در آن روزگاران ارتباط تنگاتنگی دارد با دولت های با ویژگی های تازه، دولتی که از نهادهای اقتصادی قدرت می گیرد و پشتیبانی می شود و این نهاد ها را هم قدرت می دهد-ارتباط دوسویه.

باری، بیرون از آن محیط از آزادی و غیره سخن گفتن، و انتظار هماهنگی در پیامدها و کارکردها و خواسته ها از آن داشتن، سخنی سخت نتیجه بخش نخواهد بود.

در آنجا مالکیت ها دارای ساختار ویژه خود را داشتند، طبقات قدرتمند شکل گرفته و هریک در قدرت شریک بودند، سهم آنها در قدرت دهی به دولت ها مشخص بود، این سهم به سادگی حذف شدنی نبود مگر با ناکارا بودن خودش، که آنهم باعث می شد طیف دیگری در اندازه و مقدار تاثیر گذاری جایگزین میشد و پاک شدن یکی به صورت کلی به نفع دیگری اتفاق نمی افتاد، چون مالکیت از بین رفتنی نبود.

اما در این سوی بررسی ها، خبری از مالکیت نبود، هیچکس مالک چیزی نبود به جز یک نفر! همه مالکیت از آن یک نفر بود! از سوی او به بقیه به صورت امتیاز داده می شد و صد البته این کاملاً موقت بود! هر

آن ممکن بود این امتیاز گرفته شود و کسی که تا دیروز خود را در منصبی می دید و قدرتی برای خود حس می کرد، به یکباره ساقط شده و این امتیازات به دیگری منتقل می شد. پس مالکیتی وجود نداشت که بر اساس آن تصمیم گیری شود تا برای حفظ آن در قدرت شریک شود. قدرت پس از مالکیت می آید، پس همه قدرت در دست همان مالک بود، پس دولتی فارغ از این چرخه شکل نمی گرفت و مشخص بود که رشدی هم از جهت تاثیر پذیری از دیگر نهادها نمی داشت.

مساله اصلی همینجاست: آزادی را در آن محیط گفته شده تبیین کردند و آمدیم برای طرفی که مهیای این مظلوف نبود، تعریفی برابر با آن قبلی ارائه دادیم... و این داستان غم انگیز از همین جا به خطا سروده شد و هنوز صدای ناهنجارش را دارد در می آورد.

#####